



منطقه خاورمیانه در میان مناطق استراتژیک جهان با دارا بودن ۱۵ کشور با ویژگی‌های مغفوت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و طبیعی نمونه بارز و پیچیده‌ای را از رقابت‌ها و کنش‌ها و واکنش‌ها و جست‌وجوی ایفای نقش ملی و منطقه‌ای به وسیله این کشورها ارائه می‌دهد. از دیدگاه قدرت برتر جهانی، این منطقه کمان بی‌ثباتی استراتژیک نام گرفته و روند کلیدی در آن، اغتشاش و بی‌ثباتی استراتژیک است. یکی از نشانه‌های بارز آن، استراتژی دفاعی نوین ایالات متحده است که بر متمرکز کردن تلاش‌ها روی توانمندی‌های مأموریت‌های جدید در کمربند بی‌ثباتی تاکید ویژه دارد. درک اهمیت خاورمیانه از سوی قدرت‌هاوسایر کشورهای جهان و به تبع آن علاقه‌مندی آنها به برقراری روابط و بهره‌مندی هرچه بیشتر از مزایا و پتانسیل‌های مختلف منطقه، باعث تارش کشورهای خاورمیانه برای کسب هرچه بیشتر قدرت در سطح مختلف شده است. این امر خود بر پیچیدگی و وخامت این رقابت‌ها می‌افزاید. افزایش قدرت و منزلت ژئوپلیتیکی کشورها برای آنها اقتدار، تاثیرگذاری و منافع بیشتر و گسترش حوزه نفوذ را در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس‌های منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی به همراه خواهد داشت. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بازیگران اصلی و کلیدی در پهنه جغرافیای سیاسی غرب آسیا توانسته است به واسطه وجود نیروها و عوامل مثبت ژئوپلیتیکی خود از جمله ورود به صحنه تحولات منطقه‌ای، نقش بسزایی در ایجاد نظم نوین منطقه‌ای ایجاد کند لذا این یادداشت با تاکید بر عناصر قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران که بدون شک سردار «حاج‌قاسم سلیمانی» فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یکی از مؤلفه‌های اصلی این دکترین است، سعی در تبیین جایگاه ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا را دارد. لذا بر این اساس باید گفت ارزش‌های وزن ژئوپلیتیکی و قدرت ملی کشورها را تعیین و شناخت قدرت منطقه‌ای با توجه به پارامترهای اساسی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران برای افکار عمومی خالی از لطف نیست.

■ **قدرت ملی**

امروز در صحنه روابط بین‌الملل و در زندگی سیاسی کشورها،واژه قدرت کاربرد وسیعی پیدا کرده‌است. قدرت ملی یک کشور عبارت است از مجموعه توانایی‌های آن کشور در تحمیل اراده خود بر سایر کشورها برای کسب منافع ملی خود. اجی کالینز، استراتژیست آمریکایی قدرت ملی را مجموعه‌ای از توانایی‌های بالقوه و بالفعل یک کشور تعریف می‌کند که از توانایی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، تکنولوژیک و نظامی آن کشور ناشی می‌شود. «محمدرضا حافظ‌نیا» از برجسته‌ترین ژئوپلیتیسین‌های ایرانی، عوامل وعناصر مولد قدرت ملی را بدین‌گونه برمی‌شمارد:عوامل اقتصادی،عوامل سرزمینی، عوامل حکومتی، عوامل علمی و فنلوارانه، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، عوامل نظامی و عوامل فراکشوری.

■ **وزن ژئوپلیتیکی**

عبارت است از ثقل نیروها و عوامل مثبت و منفی در قدرت ملی یک کشور. به عبارتی جمع جبری عوامل قدرت ملی،وزن ژئوپلیتیکی، موقعیت یک کشور یا منزلت آن را در مجموعه‌ای از کشورها یا در سیستم ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای نشان می‌دهد. گسترش حوزه نفوذ و به عبارتی مرزها و قلمرو ژئوپلیتیکی که خود یک مفهوم فضایی-جغرافیایی است و نیز قدرت اثرگذاری بر فرآیندها و کنش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای سبب می‌شود امنیت ملی کشور تأمین شده و تهدیدات علیه آن کاهش یابد و از سوی دیگر منافع و اهداف ملی کشور تضمین و تأمین شود.

■ **منزلت ژئوپلیتیکی**

وزن ژئوپلیتیکی رابطه مستقیم با منزلت ژئوپلیتیکی کشور در سیستم جهانی و منطقه‌ای دارد. یعنی هرچقدر وزن بیشتر باشد منزلت و اعتبار عمومی کشور بین سایر کشورها عم از بزرگ‌تر، هم‌تراز یا کوچک‌تر بیشتر می‌شود و هر اندازه اعتبار و منزلت بیشتر افزایش یابد همان اندازه فرصت‌های جدید قدرت مرئی یا نامرئی برای اثرگذاری عینی و ذهنی بر فرآیندها، تصمیم‌سازی‌ها، اقدامات

جستاری پیرامون بی‌ثباتی خاورمیانه و نظم نوین منطقه‌ای

وزن ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران

■ محمود نورانی*

بود. دولت سعودی انگیزه‌های سیاسی و مذهبی بسیار زیادی برای این امر داشته و دارد. فشار بر دیگر رقبای منطقه‌ای، باج‌گیری از آمریکا، توسعه تفکر وهابیت و ضربه زدن به دیگر مذاهب در منطقه و در رأس آن دور کردن موج تغییرات منطقه‌ای از تاج و تخت ریاض در چارچوب صدور بحران به دیگر نقاط منطقه می‌توانند مهم‌ترین انگیزه‌های عربستان در این چارچوب محسوب شوند. استراتژیست‌های آمریکایی و اسرائیلی، جنگ داخلی سوریه را فرصتی برای تضعیف بنیادی ایران اسلامی می‌دانند به امید اینکه شکست ایران در عراق و منطقه غرب‌آسیا، جمهوری اسلامی ایران را وادار کند در زمینه‌های دیگر مثل برنامه هسته‌ای تسلیم شود. آنها همچنین به دنبال این هستند حزب‌الله را بشدت تضعیف کرده و منطقه کلیدی مدیترانه را نیز از حوزه نفوذ ایران خارج کنند از سوی دیگر با به وجود آمدن بحران سوریه، ترکیه نیز از تبعات این بحران که در اثنای آن، مسائل داخلی خود ترکیه به‌صورت آلت‌ناتیو به آن اضافه شد، بی‌نصیب نماند. در حالی که باید گفت جایگاه منطقه‌ای ایران،عربستان سعودی، ترکیه و رژیم صهیونیستی بشدت در معرض تاثیرپذیری از بیداری اسلامی بویژه مسأله سوریه قرار گرفته و بشدت روابط هر ۳ کشور را تحت‌تاثیر خود قرار داده است.

■ **جمهوری اسلامی ایران: باز یگر کلیدی ژئوپلیتیکی**

جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری آزاد و مستقل و به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک همواره در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی تاثیرگذار بوده است. صدور تفکر مقاومت و مبارزه با استعمار، امپریالیزم، استبداد و خودکلمگی و پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک و نیز نهضت مشروطه، ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ه‍.ش در بعد داخلی و مقاومت ۸ ساله ادعایمقدس و مدیریت بحران هسته‌ای در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی از نمونه‌های بارز و تاریخی این نقش آفرینی هاست. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران به شکل عملی و عینی، برخی کشورهای اسلامی غرب آسیا را پس از چندین دهه از انزوا و سکون خارج کرده و به سوی همگرایی سوق داده و انرژی آزادشده آنها را به عنوان موتور محرکه همه تحولات و خیزش جریان‌ها، و جنبش‌های اسلامی درآورد و مردم مسلمان منطقه بویژه غرب‌آسیا را نسبت به حق و حقوق و توانایی‌های خود آگاه کرده است. از سوی دیگر طلسم شکست‌ناپذیر بودن غول استعمار و امپریالیسم را ایلال کرده و این مسأله خود جبراست و اعتماد به نفس را به ملت‌های مسلمان بویژه غرب‌آسیا بازگردانده است. همچنین در فرآیند ظهور، توسعه و تثبیت خود به عامل منحصربه‌فردی در احیا، پایداری و توسعه بیداری اسلامی و در شرایط کنونی به مرکز سامانده همگرایی اسلامی در منطقه غرب‌آسیا تبدیل شده است. ملت‌های مسلمان منطقه و جریان‌های فعال متأثر از متن مردم اجتماع اسلامی، شاعران و شعارهای انقلابی ایران اسلامی مانند جهاد و شهادت و ایثار را به عنوان اصول اساسی مبارزاتی خود پذیرفته‌اند و گروه‌های منسجم و سازمانی کوچک و بزرگ تحت عنوان جنبش‌های اسلامی با استناد و بااعتقاد به اسلام در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ظاهر شده‌اند. لذا باید پذیرفت همگرایی منطقه غرب آسیا با عنوان یک آگاه جمعی تحت‌نفوذ جغرافیایی و وزن ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی تبدیل به یک رفتار سیاسی شده و در قالب یک ایده سیاسی سازماندهی شده است.

■ **نقش سردار قاسم سلیمانی در ژئوپلیتیک غرب‌آسیا**
سردار سرلشکر پاسدار «قاسم سلیمانی» فرمانده نیروی قدس سپاه بوده و سال‌ها تجربه جنگ ایران و عراق و مبارزه با انشاز مسلح در جنوب شرق ایران (پس از جنگ تحمیلی و مابین دوران سازندگی تا سال ۷۹ سلیمانی فرمانده لشکر ۴۱ ثلثه بوده و مبارزه با انشاز و قاچاقچیان موادمخدر را بخوبی انجام داده و مردم منطقه جنوب شرق ایران همواره قدران زحمات این فرمانده شجاع بوده و هستند) را دارد. از سال ۱۳۷۹ (۱۹۹۹ میلادی) این فرمانده راهبردی از طرف حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر فزانه انقلاب و فرمانده معظم کل‌قوا به عنوان فرمانده سپاه قدس انتخاب شد. سردار سرلشکر پاسدار «قاسم سلیمانی» به ادعای رسانه‌های خارجی یک «دیپلمات- نظامی» بر نفوذ در منطقه غرب آسیاست که نقش عمده‌ای در مقابله با تئوریست‌های تکفیری داعش دارد. فرمانده سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران به ادعای مسوولان داخلی و خارجی با کمک مستشاری خود کمک بزرگی به عراق برای جلوگیری از سقوط شهرهای بیشتر کرده است. روزنامه انگلیسی «آبزور» تاکید کرد ژنرال «قاسم سلیمانی» احتمالاً تنها کسی است که می‌تواند داعش را شکست دهد. «آبزور» عنوان داشت: هنگامی که در نخستین روزهای حمله تکفیری‌های سلفی به شهرهای عراق، ارتش عراق از مقابل آنها گریخت، این ژنرال ایرانی در صحنه حضور یافت و چند ساعت پس از سیطره داعش بر «موصل»، سلیمانی در «بغداد» بود و از آن زمان عملیات

اسلامی ایران از منافع انقلاب اسلامی و ملت‌های مظلوم دفاع می‌کند و از هیچ تلاشی برای آن کوتاهی نمی‌کند. از طرف دیگر نقش آفرینی مؤثر سپاه در میان سوریه، آمریکایی‌هایی را که تا دیروز حاضر نبودند نقش ایران را در بحران سوریه ببینزند، مجبور می‌کند به نقش ایران در حل مسأله سوریه اعتراف کنند و خود را ملزم به حضور ایران در گفت‌وگوهای حل مسأله سوریه کنند. نقش سپاه ایران در مسأله سوریه حتی باعث می‌شود نمایندگان کنگره آمریکا طی نامه‌ای به لویلما اعلام کنند در زمان کنونی که سپاه از هیچ اقدامی برای سرکوب مخالفان بشار اسد فروگذار نمی‌کند، نمی‌توان درباره آن سکوت کرد. آمریکا ایران در بحران سوریه نیز روشن است. از همین رو دستگاه دیپلماسی کشور از روزهای آغازین، نقش آفرین میدان دیپلماسی بود، هر چند آمریکا و متحدان اروپایی و منطقه‌ای آن از جمله ترکیه، عربستان و قطر حاضر نبودند نقش ایران در این بحران را ببینزند؛ اما ایران، هم در فضای دیپلماتیک توانست نقش ویژه‌ای را ایفا کند و هم برخی کشورها مثل روسیه و چین را وارد میدان بحران سوریه کرد و برخلاف نظر آمریکا و متحدانش برای جلوگیری از حاکمیت تئوریست‌ها در کل سوریه وارد مبارزه عملی با تئوریست‌ها در سوریه شد. خارج از میدان دیپلماسی، سوریه بشدت نیاز به کمک در حوزه‌های مختلف بویژه در حوزه دفاعی داشت زیرا آمریکا و متحدانش با مسلح کردن معترضان و حمایت از گروه‌های تئوریستی مختلف مثل جبهه‌النصره و داعش، دولت سوریه را بشدت تحت فشار قرار داده بودند. دولت سوریه که با یک وضعیت فوق‌العاده روبه‌رو شده بود، سعی کرد این آشوب‌ها را خنثی کند اما در این میان دچار اشتباهاتی شد که گره نامنی‌ها را محکم‌تر کرد:

۱- ناتوانی دولت سوریه در شناسایی علل و عوامل آشوب‌ها و بر خروج منطقی و برنامه‌ریزی‌شده با آن
۲- برخورد شدید با اعتراضات و سرکوب شدید معترضان که راه را برای ورود تئوریست‌ها هموارتر کرد.
۳- عدم استفاده از توان نیروهای مردمی در جلوگیری از گسترش نفوذ تئوریست‌ها
۴- ناآشنایی ارتش سوریه با جنگ‌های شهری و استفاده از تویخانه و سلاح‌های سنگین در جنگ شهری که موجب تخریب بخشی از مراکز و خانه‌های مردم شد.
تتمام این مسائل باعث شد ایران به درخواست دولت سوریه برای مبارزه با تئوریست‌ها کارشناس نظامی خود را در قالب مستشار نظامی راهی آن کشور کند که این وظیفه به عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و با محوریت سردار حاج‌قاسم سلیمانی قرار داده شد و نیروهایی از سپاه قدس راهی آن کشور شدند تا در مسائل نظامی راهمائی ارتش سوریه باشند.
نقش آفرینی ویژه مستشاران نظامی سپاه قدس قاعده بازی را عوض کرد و سوریه که می‌رفت کاملاً به دست تئوریست‌ها بیفتد، بازیابی نظامی شد و در میدان جنگ به پیروزی‌های متعددی دست یافت و دمشق از تهدید سقوط خارج شد. اقداماتی که مستشاران نظامی ایران در میدان مبارزه سوریه به‌انجام دادند، از این قرار بود:

۱- ایجاد واحدهی مبارزه با تئوریست‌ها در بین فرماندهان نظامی سوریه
۲- آموزش شیوه جنگ شهری و مقابله با پیشروی تئوریست‌ها باکم‌ترین تلفات ممکن
۳- استفاده از توان نیروهای مردمی برای مقابله با تئوریست‌ها وساماندهی نیروهای بسیج مردمی در سوریه
۴- کمک اطلاعاتی به ارتش و دولت سوریه در جنگ با تئوریست‌ها
۵- برقراری تعامل با عشایر و قبایل برای کمک به مقابله با تئوریست‌ها و میانه‌گری بین دولت و قبایل
در این میان برخی رسانه‌های بیگانه سعی کردند حضور فرماندهان نظامی ایرانی از جمله سردار سلیمانی در میدان نبرد را به عنوان دخالت نظامی ایران در مسائل داخلی سوریه عنوان کنند. در این‌باره یکی از کارشناسان ارشد مسائل منطقه‌ای اظهار می‌دارد: «سرلشکر سلیمانی یک چهره شناخته‌شده جهانی و از یاداگران دوران دفاع‌مقدس است و سبک فرماندهی ایشان همان سبک فرماندهی در دوران دفاع‌مقدس است و نگه به آن دوران نشان می‌دهد. فرماندهانی مانند قاسم سلیمانی و شهیدای مانند روحانی، همت و باکری حضور میدانی داشتند و در عملیات و مواقع آزادسازی مناطق، در خط مقدم حضور پیدا می‌کردند. امروز حمایت ما از مردم کشورهای عراق و سوریه صادقانه است و کسانی که در این عرصه کمک و پشتیبانی می‌کنند و مشاوره می‌دهند، به طور طبیعی در صحنه حضور می‌یابند و این هم به صفا و صداقت و روحیه جهادی و شهادت‌طلبی آنها بازمی‌گردد که این راه را یک حرکت مقدس می‌دانند». اما نکته مهمی که درباره حضور حاج‌قاسم در جبهه‌های مبارزه با تکفیر باید ادعای نمود این است که حفظ انسجام و تقویت روحیه نظامی و ایستادگی نیروهای عمل‌کننده و حمایت‌کننده یکی از مهم‌ترین نکات و راهبردهای نظامی هر جنگ است. نیروهایی که در صف اول مقاومت حاضرند، با دیدن مرد بزرگی همچون سردار سلیمانی نه تنها قدرت ایستادگی‌شان افزایش می‌یابد بلکه به راهبردهای حکیمانه‌اش، گوش جان می‌سپارند. بر این اساس، علاوه بر تقویت نیروهای در صحنه، این پیام به حامیان مقاومت رسانده می‌شود که جمهوری

نامه تاریخی سیداحمد خمینی به آیت‌الله منتظری

... اگر با صراحت کامل به من نصیحت می‌فرمودید که به جریانات دفتر و مدارس فقیه عالیقدر نزدیک نشوم و اگر... و اگر... کار به اینجا نمی‌کشید. اکنون که به رأی‌العین ثمره وضعیت سابق را مشاهده نمودید استدعا دارم گذشته‌ها را چراغ راه آینده خود قرار دهید و ان‌شاء‌الله قرار خواهید داد.

نکته پنجم: همانطور که خودتان بارها اشاره می‌کردید یک حضرت امام مدظله العالی یک چارچوب واحدی را از روز اول نهضت تاکنون برای خودشان انتخاب کرده‌اند و کلیه مسائل انقلاب و کشور را با معیارهای ثابت و لاینتغیر خویش سننجیده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند همه ما‌ها که خود را مقلد و پیرو آن حضرت می‌دانستیم می‌بایست چنین شیوه ارزنده‌ای را پیشه خود می‌ساختیم نه اینکه به دنبال بروز هر حادثه‌ای یک تحلیل جدید پیدا کرده و با تحلیل‌های متضاد روزانه خود را بر سر چندراهی سرگردان سازیم. اگر عقل ما آن باییم حداقل وظیفه‌ای بود که به خط رهبری انقلاب تعدد داشته و ثبات قدم و استقامت در موقف را از امام عزیز می‌آموختیم تا فعل و انفعالات و مسائل مستحده‌ن و جزر و مدهای سیاسی نتواند ما‌ها را به انفعال کشانده و به راه غلط سوق داده شویم.

برادر عزیزم!

هنگامی که حضرت امام و فقیه عالیقدر دام‌ظله‌العالی تا‌کید می‌کنند حفظ نظام سیاسی کشور واجب شرعی است، طبعاً حفظ و حمایت از کسانی که با تأیید مقام رهبری مسؤولان اجرایی نظام شناخته شده‌اند (بفرض اینکه اختلاف سلطه نیز با آنان داشتیم) نیز واجب می‌شود و اگر ما‌ها در یک چارچوب شناخته شده و مورد تأیید خط رهبری به طور ثابت قرار می‌داشتیم هرگز به انفعال و تدبذ در تحلیل‌ها و تصورات خود، مبتلانی‌گشتم.

اخوی عزیز!

من نمی‌خواهم بار اشتباهات و غلط کارهای خود را به دوش شما بیندازم، نه هرگز، زیرا اولاً حضرت تعالی از بسبیلیاری از تخلفات من بی‌اطلاع بودید و ثانیاً در مواردی که دلسوزان مرا نصیحت می‌کردید این من نبودم که در اثر غرور و تعصب نفسانی به توصیه‌های شما گوش نمی‌دادم، ولی در بخش مسائل سیاسی کشور انصافاً من خود را تابع رأی و تشخیص حضرت تعالی می‌دانستم و این وظیفه شما بوده است که مرا بهتر راهنمایی کنید.

نکته ششم: اخوی عزیزم! تخلفاتی که من در مصاحبه خود اعلام کردم چه از قبل یا بعد از انقلاب یک سلسله واقعیت‌هایی بوده است که متأسفانه در اثر القانات شیطانی وجود مرا گرفته بوده و من نه از روی جبر و اکراه بلکه با رضایت کامل آنها را بازگو کردم تا عبرتی برای دیگران که چه بسا هنوز در جو گذشته‌ها زندگانی می‌کنند، باشد و در عین حال مقدمه‌ای برای ساختن شخصیت جدید و سالمی برای آینده گردد. در خاتمه از اینکه مصدع اوقات گرانبهای شما گشتم پوزش طلبیده، استدعا دارم سلام گرم را خدمت فقیه عالیقدر ابلاغ فرموده و از ناحیه من از ایشان عذرخواهی بفرمایید و ضمن دعا برای حل مشکلات مسلمین و برطرف شدن گرفتاری‌ها و پیروزی رزمندگان ایثارگر در جبهه و دوام عمر امام امت و فقیه عالیقدر سلامی گرم به افراد خانواده‌ام، ام‌البشیر و بشیر و بشری و خانواده خودتان ابلاغ فرمایید و مادرمان را بویژه مورد محبت قرار دهید.

«والسلام علی جمیع اخواننا مسلمین»



www.vatanerouz.com



@vatanerouz

در شبکه‌های اجتماعی

^[1] با وجود آمدن بحران سوریه، ترکیه نیز از تبعات این بحران که در اثنای آن، مسائل داخلی خود ترکیه به‌صورت آلت‌ناتیو به آن اضافه شد، بی‌نصیب نماند

^[2] افزایش قدرت و منزلت ژئوپلیتیکی کشورها برای آنها اقتدار، تاثیرگذاری و منافع بیشتر و گسترش حوزه نفوذ را در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس‌های منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی به همراه خواهد داشت

^[3] از آنجا که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بازیگران اصلی و کلیدی در پهنه جغرافیای سیاسی غرب آسیا توانسته است به واسطه وجود نیروها و عوامل مثبت ژئوپلیتیکی خود از جمله ورود به صحنه تحولات منطقه‌ای، نقش بسزایی در ایجاد نظم نوین منطقه‌ای ایجاد کند لذا این یادداشت با تاکید بر عناصر قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران که بدون شک سردار «حاج‌قاسم سلیمانی» فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یکی از مؤلفه‌های اصلی این دکترین است، سعی در تبیین جایگاه ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا را دارد

^[4] لذا بر این اساس باید گفت ارزش‌های وزن ژئوپلیتیکی و قدرت ملی کشورها را تعیین و شناخت قدرت منطقه‌ای با توجه به پارامترهای اساسی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران برای افکار عمومی خالی از لطف نیست

^[5] امروز در صحنه روابط بین‌الملل و در زندگی سیاسی کشورها،واژه قدرت کاربرد وسیعی پیدا کرده‌است

^[6] قدرت ملی یک کشور عبارت است از مجموعه توانایی‌های آن کشور در تحمیل اراده خود بر سایر کشورها برای کسب منافع ملی خود

^[7] اجی کالینز، استراتژیست آمریکایی قدرت ملی را مجموعه‌ای از توانایی‌های بالقوه و بالفعل یک کشور تعریف می‌کند که از توانایی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، تکنولوژیک و نظامی آن کشور ناشی می‌شود

^[8] «محمدرضا حافظ‌نیا» از برجسته‌ترین ژئوپلیتیسین‌های ایرانی، عوامل وعناصر مولد قدرت ملی را بدین‌گونه برمی‌شمارد:عوامل اقتصادی،عوامل سرزمینی، عوامل حکومتی، عوامل علمی و فنلوارانه، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، عوامل نظامی و عوامل فراکشوری

^[9] عبارت است از ثقل نیروها و عوامل مثبت و منفی در قدرت ملی یک کشور